

## فراخوان به اعتراض عمومی مردم در کردستان

### تاریخ شکست نخوردگان

چند کلمه به یاد انقلاب ۵۷

صفحه ۴

منصور حکمت

## چهار میلیون و دویست هزار تودهنی به فتوای خامنه ای

### علیه واکسن کرونا!

صفحه ۷

جمال کمانگر

در باره محکومیت چهار مامور اطلاعاتی جمهوری اسلامی در بلژیک

### سفارتخانه های جمهوری اسلامی باید بسته شود!

### نمایش ابتدال هنرمندان درباری در "دهه زجر"!

صفحه ۸

ملکه عزتی

### لغو اعدام در گرو سرنگونی حکومت اعدام است

صفحه ۹

نادر شریفی

### مردم در کمین نشسته اند!

سناریوهای امنیتی، اطلاعاتی چیزی جز ناکامی و کابوس سران رژیم نیست!

دریغ از یک جو شرافت سیاسی

سیوان کریمی

اطلاعیه شورای همکاری در باره،

مستندهای امنیتی و ضد انقلابی جمهوری اسلامی

علیه چپ ها و کمونیست ها!

۵۸۱

# مستکونی کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

۱۷ بهمن ۱۳۹۹ - ۵ فوریه ۲۰۲۱

## ۲۶ بهمن،

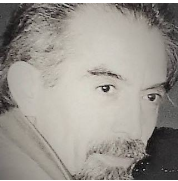
### اعتراض سراسری بازنشستگان

بازنشستگان در هفتم بهمن اعلام کردند؛ "شعارمان این زمان، معیشت است و درمان!" بازنشستگان اعلام کرده اند که در روز ۲۶ بهمن اجتماعات سراسری در تهران و شهرستانها برگزار می کنند.

بازنشستگان همراه با بخشهای مختلف طبقه کارگر خواهان واکسیناسیون رایگان و همگانی با استانداردهای معتبر جهانی هستند. بازنشستگان به طرح "بیمه تکمیلی" و وعده "بازسازی حقوق ها" اعتراض دارند و خواهان بیمه درمانی و خدمات پزشکی و دارویی رایگان و معیشت مکفی هستند. بازنشستگان به تاراج صندوق های بیمه بازنشستگی و دست درازی سازمان تامین اجتماعی و سرمایه داران بورس باز اعتراض دارند و برآنند که هیچ مسئول و ارگانی حق ندارند به اندوخته این صندوقها که توسط خود آنان در دوران اشتغال تامین شده، دست درازی کنند و یا خود را صاحب اختیار آن بدانند. بازنشستگان خواهان اعمال نظارت مستقیم نمایندگان منتخب خود و انتخاب هیئت مدیره و بازرسان توسط خود آنان برای اداره صندوقها هستند. بازنشستگان به سیاست ایجاد تفرقه دولت و نهادهای حکومتی براساس فرق بین بازنشستگان بخشهای مختلف از لشکری و کشوری تا مستخدمین دولتی و

صفحه ۲

## آزادی، برابری، حکومت کارگری!



که سرمایه داری برای انسان کارکن پیچیده است. به صف اعتراض بازنشستگان پیوندیم و صدایشان را رساتر کنیم.

روز ۲۶ بهمن ساعت ده و نیم صبح در تهران مقابل مجلس و در شهرستانها مقابل شعبه تامین اجتماعی یا هرجائی که عزیزان بازنشسته اعلام میکنند، ملحق شویم.

#گرسنگی\_بیماری\_بیکاری\_درد\_ما  
#تامین\_معیشت\_واکسن\_همگانی\_خواست\_بیدرنگ\_ما  
#شعارمان\_این\_زمان\_معیشت\_است\_و\_درمان

سردبیر.  
۵ فوریه ۲۰۲۱

## ۲۶ بهمن،

### اعتراض سراسری بازنشستگان ...

بازنشستگان تامین اجتماعی و مستمری بگیران اعتراض دارند. بازنشستگان خواهان تامین معیشت مکفی و برخورداری از سلامتی و واکسیناسیون برای همه مردم ایران هستند.

حزب کمونیست کارگری- حکمتیست از خواستهای برحق بازنشستگان حمایت میکند و از کارگران و مردم آزادیخواه میخواهد که روز ۲۶ بهمن در تهران و شهرستانها کنار بازنشستگان عزیز باشند و از خواستهای برحق آنها حمایت کنند. بازنشستگان نسل قبلی طبقه کارگرند که در ساختن جامعه سهم خود را گذاشته اند و باید امروز بدون دغدغه معیشت و درمان و سرپناه با حرمت زندگی کنند. وضعیت امروز بازنشستگان عکسی از آینده نسل کنونی طبقه کارگر و نسخه ای است

## واکسن بخرید!

### واکسیناسیون همگان وظیفه دولت است!

تامین واکسن کرونا وظیفه فوری دولت است. این اولویت اورژانس هر دولتی است. هیچ مانعی برسر راهتان نیست. تعلل و بهانه جوئی برای تهیه واکسن سازماندهی کشتار جمعی است. حکومتی که عرضه تامین این بدیهی ترین و ساده ترین نیاز همگانی را نداشته باشد باید فوراً گورش را گم کند. مقامات آن باید استعفا دهند و محاکمه شوند. برای دستگاه خرافه و ماشین سرکوب و تروریسم پول دارید اما برای میلیونها بیمار و دهها میلیون انسان در معرض خطر پول ندارید! دروغ می گوئید. با جان مردم بازی می کنید. این اقدام یک جنایت آشکار دولتی علیه ساکنین ایران است.

تامین و ارائه سریع واکسن رایگان با استاندارد سازمان بهداشت جهانی حق فوری کلیه ساکنین ایران است. واکسیناسیون همگان وظیفه فوری دولت است! این خواست طبقه کارگر است!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۲۵ دسامبر ۲۰۲۰

جهان بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم،

بدون «خطر» سوسیالیسم، به چه منجلائی تبدیل میشود!

منصور حکمت

مرگ بر جمهوری اسلامی!

## اعلامیہ کمیٹہ کردستان حزب حکمتیست

## فراخوان به اعتراض عمومی مردم در کردستان

کارگران، مردم آزادیخواه کردستان!

موج بازداشت‌های وسیع دو هفته اخیر و دستگیری بیش از صد نفر از فرزندان شما به دست سرکوبگران جمهوری اسلامی و همزمان نمایش مضحک "سناریو های تلویزیونی" علیه نیروهای اپوزیسیون و بویژه بر ضد جنبش چپ و کمونیستی در کردستان و احزاب و شخصیت‌های آن با هدف انتقام از ۴۲ سال مبارزه انقلابی و حق طلبانه شما و مهمتر به منظور مقابله با روند رو به رشد خیزش اعتراضی و انقلابی مردم از جانب سردمداران جمهوری اسلامی طراحی شده است. این اقدامات در شرایطی است که گرسنگی، بیماری و بیکاری، عدم تامین معیشت و سلامت و نبودن واکسن کرونا گریبان اکثریت دهها میلیونی شهروندان جامعه را گرفته است، این اقدامات در شرایطی است که بی مسئولیتی و ناتوانی و ناکارایی رژیم فاسد جمهوری اسلامی در مقابله با فاجعه کرونا زباززد خاص و عام است. در همان حال سردسته جنایتکاران اسلامی، خامنه ای جلاد، تامین واکسن مورد تایید سازمان بهداشت جهانی را منع و خرید آن را به قیمت مرگ مردم به تاخیر انداخت. سران جمهوری اسلامی به خوبی میدانند، این شرایط موجب تلنبار شدن نفرت و بیزاری عمیق و گسترده اکثریت قاطع و عظیم جامعه علیه سرپای نظامشان است. آنها از به میدان آمدن گول بیدار شده مردم معترض برای برچیدن نظام اسلامی وحشت دارند. آنها گوشه های محدودی از جنبش سرنگونی طلبانه را در دیماه ۹۶ و آبانماه ۹۸ تجربه کرده اند. چشم انداز همه گیر شدن جنبش انقلابی برای برچیدن جمهوری اسلامی خواب از چشم آنها ربوده است. مثل تمام عمر جنایتکارانه شان، به عبث بار دیگر سرکوبگریها، زندان و شکنجه و اعدامها را ضامن بقای نظامشان میدانند. اما سرشان به سنگ میخورد و دوره عوض شده و این ترفندها دیگر نه عامل بقا، بلکه اعتراض سازمانیافته و آگاهانه برای پایان دادن به عمرشان را موجب میشود. در این بستر و در این شرایط آنها پتانسیل مبارزاتی بالای جامعه حزبیت یافته در کردستان را خطر جدی در مسیر برچیده شدن نظامشان میدانند. بازداشت و دستگیریهای وسیع و "سناریو سازیهای تلویزیونی مضحک اخیر" عکس العملی از سر ضعف و زبونی در مقابل روند رو به گسترش اعتراضات موثر در شهرهای کردستان است.

مردم آزادیخواه کردستان!

میتوانیم و باید با نیروی اعتراض و مبارزه آگاهانه و سازمانیافته سرکوبگری و موج دستگیریهای وسیع را در شهرهای کردستان سد کنیم. میتوانیم با اقدام و صدای اعتراضی محکم "سناریو سازی پوچ و بی مایه" جمهوری اسلامی علیه چهاردهم مبارزه انقلابی در کردستان را رسوا کنیم. میتوانیم و لازمست علیه شرایط سخت زندگی، علیه گرسنگی و بیماری و بیکاری و عدم تامین معیشت و سلامت و نبودن واکسن همگانی رایگان برای مردم قدرت مبارزاتی خود را به میدان بکشیم.

بر این اساس کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست مردم مبارز در کردستان را به اعتراض عمومی حول:

- ۱- علیه دستگیریهای اخیر در کردستان و خواست آزادی فوری بازداشت شدگان و زندانیان سیاسی
- ۲- انزجار از "سرپالهای مضحک" علیه مبارزه مردم کردستان و نیروهای سیاسی
- ۳- خواست فوری تامین معیشت و درمان و واکسن رایگان و همگانی، فرامیخواند.

جامعه و مردم کردستان در ۴۲ سال گذشته تجارب غنی از اشکال متنوع مبارزه موثر توده ای را اعم از اجتماعات اعتراضی، اعتصاب، تحصن و راهپیمایی و ... تجربه کرده و میتوانند با اتکا به این تجارب این بار نیز اعتراض عمومی و گسترده را در همه شهر و روستاهای کردستان سازمان دهند. ما از فعالین و پیشروان مبارزات کارگری و توده ای و اجتماعی میخواهیم، مثل همیشه ابتکار را به دست بگیرند، بنا به تشخیص خود اعتراض عمومی گسترده و موثر را در همین روزهایی که توقع حرکت مبارزاتی موثر مطرح است، سازمان دهند.

ما از کارگران و مردم آزادیخواه در سراسر ایران، از همه نیروهای سیاسی، چپ و کمونیست و آزادیخواه میخواهیم از اعتراض عمومی مردم در کردستان علیه جمهوری اسلامی حمایت کنند.

زنده باد اعتراض عمومی مردم در کردستان

مرگ بر جمهوری اسلامی

زنده باد جمهوری سوسیالیستی

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۱۷ بهمن ۱۳۹۹ - ۵ فوریه ۲۰۲۱

## دولت موظف به تامین نیازهای معیشتی، درمانی و بهداشتی

## شهروندان در شرایط گسترش پاندمی کرونا است!

## تاریخ شکست نخوردگان

### چند کلمه به یاد انقلاب ۵۷

منصور حکمت



"قلعه" خود، یا بهر حال آنچه خود روزگاری چنین پنداشته و نامیده بودند. اینها دارند برای انتقام از "خود" و "خودی" های دیروز برمیگردند. برای کسی که از داخل قلعه به بیرون نگاه میکند، این حتما منظره هولناکی است.

کمتر انقلاب ناکام و جنبش شکست خورده ای چنین تلخ توسط مشتاقان دیروزش بدرقه شده است. انقلاب مشروطیت، جنبش ملی شدن صنعت نفت، دوران حکومت آئنده، انقلاب پرتقال، اعتصاب معدنچیان انگلستان، برای مثال، همواره احترام زیادی نزد پیش کسوتان و شرکت کنندگان خود داشته اند. علت نو اندیشی امروز انقلابیون دیروز ایران را باید جای دیگری جستجو کرد. واقعیت اینست که همین سالها، سالهای پس از انقلاب ۵۷، در سطح جهانی مصادف با رویداد به مراتب مهمتری بود. سقوط بلوک شرق، که این اواخر دیگر فقط در تبلیغات عوام فریب ترین سخنگویان پیمانهای ورشو و ناتو و هالوترین طرفدارانشان به آن "اردوگاه سوسیالیسم" اطلاق میشد، یک زلزله سیاسی و اجتماعی بود که کل دنیا را تکان داد. نفس حذف یک قطب از جهانی دو قطبی، جهانی که همه چیزش، از اقتصاد و تولید تا علم و هنر، برای دهها سال بر محور تقابل این دو قطب شکل گرفته بود، به اندازه کافی زیر و رو کننده بود. اما آنچه در قلمرو افکار و اندیشه تعیین کننده بود، این واقعیت بود که حاکمان جهان و گله وسیع سخنگویان و مبلغین جیره خوارشان در دانشگاه ها و رسانه ها، توانستند سقوط شرق را سقوط کمونیزم و پایان سوسیالیسم و مارکسیسم تصویر کنند. کل این شعبده بازی البته بیش از شش سال بطول نیانجامید و تمام شواهد امروز حاکی از اینست که این دوران فریب دیگر به سر رسیده است. اما این شش سال دنیا را تکان داد. این پایان سوسیالیسم نبود، اما سرنخی بود به اینکه پایان سوسیالیسم واقعا چه کابوسی میتواند باشد و دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم و بدون "خطر" سوسیالیسم، به چه منجلائی بدل میشود. معلوم شد جهان، از حاکم و محکوم، سوسیالیسم را با تغییر نداعی میکند. پایان سوسیالیسم را پایان تاریخ خواندند. معلوم شد پایان سوسیالیسم پایان توقع برابری است، پایان آزاد اندیشی و ترقی خواهی است، پایان توقع رفاه است، پایان امید به زندگی بهتر برای بشریت است. پایان سوسیالیسم را حاکمیت بلامنزاع قانون جنگل و اصالت زور در اقتصاد و سیاست و فرهنگ معنی کردند. و بلافاصله فاشیسم، راسیسم، مرد سالاری، قوم پرستی، مذهب، جامعه ستیزی و زورگویی از هر منفذ جامعه بیرون زد.

موج "نو اندیشی" ای که بدنبال این ماجرا در سطح کل جهان براه افتاد دیدنی بود. در یک مسابقه بین المللی ندامت و خودشیرینی، فضایل دیروز عار شمرده شدند، اصول دیروز نفرین شدند و آرمانهای دیروز به ریشخند گرفته شدند. حقارت و تسلیم بعنوان معنی زندگی به کرسی نشست. در فرهنگ توابیت روشنفکران نظم نوین، هرکس که زندگی بهتری برای هموعانش میخواست و معتقد بود که وضع موجود میتواند و باید تغییر کند، هرکس که به برابری انسانها قائل بود و به یک آینده بهتر دعوتشان میکرد، هرکس که از لزوم تلاش جمعی آدمها برای تاثیرگذاری بر سرنوشت و سهمشان در جهان سخن میگفت، هرکس که دولت و جامعه را در قبال فرد و آسایش و آزادی او

میگویند در سالهای اخیر یک روند "بازبینی" و "بازنگری" در بین انقلابیون و چپگرایان اپوزیسیون ایران در جریان بوده است. نگاهی به نشریات متعددی که این طیف بویژه در خارج کشور منتشر میکند به وجود چیزی از این دست صحنه میگذارد، هرچند در اینکه "بازبینی" کلمه مناسبی برای توصیف این روند باشد جای تردید جدی هست. در خلوت، وقتی بیان حقیقت کسی را نمیرنجاند، میتوان این روند را یک روند ندامت توصیف کرد. اما در انظار عموم، جایی که، بویژه این روزها، نزاکت سیاسی (Political Correctness) حکم میراند، شاید کلمه "نو اندیشی" معادل بهتری باشد. یکی از اولین قربانیان این روند نو اندیشی مقوله انقلاب و انقلابیگری بطور کلی و انقلاب ۵۷ بطور اخص بوده است.

هر ماه کوهی مطلب توسط افراد و محافل و جریانات متشکل از بازماندگان و انقلابیون پا به سن گذاشته انقلاب ۵۷ منتشر میشود. خواندن و تعقیب کردن همه اینها و شریک شدن در مشغله ها و دنیاهاهی ذهنی نویسندگان آنها هم عبث و هم بسیار دشوار است. اما دیدن روند "نو اندیشی" که ذکرش رفت سخت نیست. میتوان از شیوه "نداعی معانی" که یک ابزار روانشناسیست سود جست و عکس العمل این ادبیات را به کلمات کلیدی ای، مثلا خود مقوله انقلاب، چک کرد. تصویری که بدست می آید جای ابهام باقی نمیگذارد. انقلاب: افراط، انقلاب: خشونت، انقلاب: استبداد، انقلاب: انهدام.

و چرا که نه؟ آخر چه کسی از این بازماندگان انقلاب ۵۷ هست که بتواند یک لحظه چشمانش را ببندد و به ۱۷ سال گذشته فکر کند و خاطرات شیرینی به یادش بیاید؟ میلیونها مردم به زندگی در ارتجاعی ترین و وحشیانه ترین نظام اجتماعی محکوم شدند، جامعه ای مبتنی بر ترس، فقر و دروغ بنا شد که در آن خوشی ممنوع است، زن بودن جرم است، زندگی کردن جزا است و فرار غیر ممکن است. یک نسل کامل، شاید نیم بیشتر مردم، اصلا به این جهنم چشم گشوده اند و جز این خاطره ای ندارند. و برای بسیاری دیگر، زنده ترین خاطره، یاد چهره های فراموش نشدنی انسانهای پاک است که بخون کشیده شدند. مگر نه اینست که نقطه آغاز این کابوس سال ۵۷ بود، سال انقلاب؟

شاید برای بعضی عاقبت نافرجام انقلاب ۵۷ در این روند "نو اندیشی" نقش داشته است. اما نه وسعت این ندامت و نه تلخی لحن و هیستری نواندیشان امروز، هیچیک را نمیتوان با ناکامی انقلاب ۵۷ توضیح داد. انگار کنار پلی نشسته اید و بازگشت لشکر شکست خورده ای را میبینید. غیر قابل انتظار نیست که این شکست خوردگان را محزون، مبهوت، ساکت و افسرده ببابید. اما این جماعت مشت گره کرده اند. وقتی دقیق تر گوش میکنید، میبینید انگار دارند سرودی را زمزمه میکنند، آری، اشتباه نمیکنید، اینها دارند به جنگ میآیند، به جنگ "سرزمین" و "اردوگاه" و

## تاریخ شکست نخوردگان

### چند کلمه به یاد انقلاب ۵۷...

مسئول میدانست، از هزار و یک تریبون، خوشخیال، قدیمی، کم عقل و پا در هوا لقب گرفت. یاس نشان خرد شد، رها کردن آرمان های والای بشری واقع بینی و درایت خوانده شد. ناگهان معلوم شد که هر ژورنالیست تازه استخدام و هر استادیار تازه به کرسی رسیده و هر سرهنگ بازنشسته پاسخ غولهای فکری جهان مدرن، از ولتر و روسو تا مارکس و لنین، را دارد و کل معضل آزادیخواهی و برابری طلبی و تلاشهای صدها میلیون انسان در چند قرن اخیر، جز ائتلاف وقت بیحاصلی در مسیر رسیدن به عمارت با شکوه "پایان تاریخ" نبوده است و باید هرچه زودتر به فراموشی سپرده شود.

در متن این فضای بین المللی است که انقلابیون دیروز به "باز اندیشی" پیرامون انقلاب ۵۷ و انقلابیگری بطور کلی نشسته اند؛ و نتایجی که گرفته اند بیش از آنکه از ناکامی انقلاب ۵۷ ناشی بشود، مدیون روند تمسخر ایده آله و اصول در مقیاس بین المللی است که چند سالی به مد روز بدل شد.

گفته اند که تاریخ را همواره فاتحین می نویسند. اما باید افزود که تاریخی که شکست خوردگان می نویسند به مراتب دروغین تر و مسموم تر است. چرا که این دومی جز همان اولی در لباس تعزیه و نوحه و تسلیم و خودفریبی نیست. اگر تاریخ داستان تغییر است، آنگاه تاریخ واقعی تاریخ شکست خوردگان است. تاریخ جنبش و مردمی است که همچنان تغییر میخوانند و برای تغییر تلاش میکنند. تاریخ کسانی است که حاضر نیستند ایده آله و امیدهای خود برای جامعه بشری را دفن کنند. تاریخ مردم و جنبشهایی است که در انتخاب اصول و اهداف خویش مخیر نیستند و ناگزیرند برای بهبود آنچه هست تلاش کنند. انقلاب ۵۷ در تاریخ فاتحین و شکست خوردگان هر دو، پله ای در عروج اسلام و اسلامیت و مسبب شرایطی است که امروز در ایران حاکم است. در تاریخ واقعی، اما، انقلاب ۵۷ جنبشی برای آزادی و رفاه بود که در هم کوبیده شد.

مصائب دوران پس از انقلاب در ایران را باید بپای مسببین آن نوشت. مردم حق داشتند رژیم سلطنت و تبعیض و نابرابری و سرکوب و تحقیری را که شالوده آن را تشکیل میداد نخواهند و به اعتراض برخیزند. مردم حق داشتند که آخر قرن بیستم شاه نخواهند، ساواک نخواهند، شکنجه گر و شکنجه گاه نخواهند. مردم حق داشتند در برابر ارتشی که با اولین جلوه های اعتراض کشتارشان کرد دست به اسلحه ببرند. انقلاب ۵۷ حرکتی برای آزادی و عدالت و حرمت انسانی بود. جنبش اسلامی و دولت اسلامی نه فقط محصول این انقلاب نبود، بلکه سلاحی بود که آگاهانه برای سرکوب این انقلاب، هنگامی که ناتوانی و زوال رژیم شاه دیگر مسجل شده بود، به میدان آورده شد. برخلاف نظرات رایج، جمهوری اسلامی وجود خود را در درجه اول مدیون

شبکه مساجد و خیل آخوندهای جزء نبود. منشاء این رژیم قدرت مذهب در میان مردم نبود، قدرت تشیع، بیعلاقگی مردم به مدرنیسم و انزجارشان از فرهنگ غربی، سرعت بیش از حد شهرنشینی و کمبود "تمرین دموکراسی"، و غیره نبود. این خزعبلات ممکن است ببرد کاربرد شغلی "شرق شناسان" نیم بند و مفسرین رسانه ها بخورد، اما سرسوزنی به حقیقت ربط ندارد. جریان اسلامی را همان نیروهایی به جلوی صحنه انقلاب ۵۷ کشیدند که تا دیروز زیر بغل رژیم شاه را گرفته بودند و ساواکش را تعلیم میدادند. آنها که پتانسیل رادیکالیزاسیون و دست چپی از آب در آمدن انقلاب ایران را میشناختند و از اعتصاب کارگران صنعت نفت درس خود را گرفته بودند. آنها که به یک کمر بند سبز در کش و قوسهای جنگ سرد نیاز داشتند. برای "اسلامی" شدن انقلاب ایران پول خرج شد، طرح ریخته شد، جلسه گرفته شد. هزاران نفر، از دیپلوماتها و مستشاران نظامی غربی تا ژورنالیستهای همیشه باسرف دنیای دموکراسی ماهها عرق ریختند تا از یک سنت عقب مانده، حاشیه ای، کپک زده و به انزوا کشیده شده در تاریخ سیاسی ایران، یک "رهبری انقلاب" و یک آلترناتیو حکومتی برای جامعه شهری و تازه - صنعتی ایران سال ۵۷ بسازند. آقای خمینی نه از نجف و قم و در راس خیل ملاهای خر سوار دهات سر راه، بلکه از پاریس آمد و با پرواز انقلاب. انقلاب ۵۷ تجسم اعتراض اصیل مردم محروم ایران بود، اما "انقلاب اسلامی" و رژیم اسلامی محصول جنگ سرد بود، محصول مدرن ترین معادله سیاسی جهان آن روز. معماران این رژیم، استراتژیستها و سیاست گذاران قدرتهای غربی بودند. همانها که امروز از درون لجنزار نسبی گرایی فرهنگی، هیولای مخلوق خودشان را به عنوان محصول طبیعی "جامعه شرقی و اسلامی" و درخور مردم "جهان اسلام" یکبار دیگر مشروعیت میبخشند. کل امکانات اقتصادی و سیاسی و تبلیغاتی غرب برای ماهها قیل و بعد از بهمن ۵۷ برای به کرسی نشاندن این رژیم و سر پا نگاهداشتن آن بسیج شد.

اما اینکه نفس اجرای این مهندسی اجتماعی در ایران مقدور شد، مدیون اوضاع و احوال و نیروهای سیاسی و اجتماعی داخل ایران بود. ماتیالی کافی برای این کار فراهم بود. حرکت اسلامی در همه کشورهای منطقه وجود داشته است. اما تا رویدادهای ایران در هیچ مقطعی این جنبش به یک جریان سیاسی قابل اعتنا و یک بازیگر اصلی در صحنه سیاسی این کشورها بدل نشده بود. (ضد) انقلاب اسلامی را نه به نیروی ناچیز حرکت اسلامی، بلکه روی دوش سنتهای سیاسی اصلی اپوزیسیون ایران ساختند. ضد انقلاب اسلامی را روی دوش سنت ملی و باصطلاح لیبرالی جبهه ملی ساختند که از کارگر و کمونیست بیش از هر چیز هراس داشت و تمام عمرش را زیر شل سلطنت و عباى مذهب به جودین ناخنهایش گذرانده بود. سنتی که در تمام طول تاریخش قادر نشد حتی یک تعرض نیم بند سکولار به مذهب در سیاست و فرهنگ در ایران بکند. سنتی که رهبران و شخصیتهایش جزو اولین بیعت کنندگان با جریان اسلامی بودند. ضد انقلاب اسلامی را روی دوش سنت حزب توده ساختند که ضد - آمریکایی گری بهر قیمت و تقویت اردوگاه بین المللی اش فلسفه وجودی اش را تشکیل میداد و رژیم اسلامی را، مستقل از اینکه چه به روز مردم و آزادی میآورد، زمین باروری برای مانور و مانیپولاسیون میدید. رژیم اسلام را روی دوش سنت منحط ضد - مدرنیست، ضد "غرب زدگی"، بیگانه گریز، گذشته پرست و اسلام زده

## تاریخ شکست نخوردگان

### چند کلمه به یاد انقلاب ۵۷...

بخرد. و البته از این بیشتر نیاز نداشتند. در تاریخ واقعی ایران، ۳۰ خرداد به ۱۷ شهریور میچسبد و حلقه بعدی آن است. خمینی، بازرگان، سنجابی، مدنی، فروهر، یزدی، بنی صدر، رجایی و بهشتی، نامهایی هستند که باید بدنیاال مجرّضا پهلوی، آموزگار، شریف امامی، بختیار، اویسی، از هاری و رحیمی آورده شوند، بعنوان مهره هایی که یکی پس از دیگری جلوی صحنه میآیند تا شاید راه انقلاب و اعتراض مردم را سد کنند. رژیم سلطنت و مهره های رنگارنگش در مقابل ضربات پی در پی جنبش اعتراضی شکست خوردند. حکومت اسلامی، در عوض، قادر شد فرصت بخرد، نیروی ارتجاع را بازسازی کند و انقلاب مردم را به خونین ترین شکل در هم بکوبد. دستور کار هر دو رژیم یک چیز بود.

نیم بیشتر مردم ایران جوان تر از آنند که حتی خاطره گنگی از انقلاب ۵۷ داشته باشند. رابطه اینها با رویدادهای آن دوره بی شباهت به رابطه نسل انقلابیون ۵۷ با وقایع دوران مصدق و ماجرای ۲۸ مرداد نیست. دورانی سپری شده و غیر قابل لمس که ظاهراً فقط در ذهن نسل معاصر خودش زنده و مهم تلقی میشود. روایتها از آن دوران زیاد و مختلفند، اما بیش از آنکه چیزی راجع به حقیقت تاریخی بگویند، راجع به خود راوی و مکانش در دنیای امروز حکم میدهند. انسان همیشه از دریچه امروز به گذشته مینگرد و در آن در جستجوی یافتن تائیدی بر اراده و عمل امروز خویش است. نواندیشان ما نیز در نگاه به انقلاب ۵۷، در پی برافراشتن پرچمی در ایران ۷۵ هستند. اما این پرچم همیشه وجود داشته است. اینکه هر بار چه کسی، با چه تشریفات و با زمزمه چه اوراد و آیاتی، زیر این پرچم حضور به هم میرساند مساله ای ثانوی است.

انتشار اول: فصلنامه نقطه، شماره ۴ و ۵، زمستان ۷۴ و بهار ۱۳۷۵

این مقاله مجدداً در خرداد ۱۳۷۵، ژوئن ۱۹۹۶، در نشریه انترناسیونال شماره ۲۹ منتشر شد.

حاکم بر بخش اعظم جامعه هنری و روشنفکری ایران ساختند که محیط اولیه اعتراض جوانان و دانشجویان را شکل میداد. خمینی پیروز شد، نه به این خاطر که مردمانی خرافاتی عکس او را در ماه دیده بودند، بلکه به این خاطر که اپوزیسیون سنتی و این فرهنگ منحنط ملی و عقبگرا، او را، که در واقع وارداتی ترین و دست سازترین شخصیت سیاسی تاریخ معاصر ایران بود، "ساخت ایران"، خودی و ضد غربی تشخیص داد و به تمجیدش برخاست. ضد انقلاب اسلامی محصول این بود که ابتکار عمل در صحنه اعتراضی از دست حرکت مدرنیستی - سوسیالیستی کارگران صنعت نفت و صنایع بزرگ، به دست اپوزیسیون سنتی ایران افتاد. اینها بودند که پرسوناژ خمینی و سناریوی انقلاب اسلامی را از غرب تحویل گرفتند و عملاً به توده مردم معترض فروختند.

علیرغم همه اینها، معرکه گیری اسلامی تنها توانست وقفه ای در روند انقلاب ۵۷ ایجاد کند. رویدادهای دوره بلافاصله پس از قیام بهمن نشان داد که دینامیسم انقلاب هنوز برجاست. نشان داد که مردم، هر چه بر زبانشان انداخته شده بود، بهرحال نه برای اسلام بلکه برای آزادی و رفاه اجتماعی به میدان آمده بودند و هنوز در میدان مانده بودند. بالاخره، انقلاب ۵۷ مثل اکثر انقلابات، نهایتاً نه با فریب و صحنه سازی، بلکه با سرکوبی بسیار خونین به شکست کشیده شد. فاصله ۲۲ بهمن ۵۷ تا ۳۰ خرداد ۶۰ تمام آن فرصتی بود که اسلام و حرکت اسلامی با همه این سرمایه گذاری ها و تلاشها توانست برای موکلین مستاصل رژیم شاه

### در باره محکومیت چهار مامور اطلاعاتی جمهوری اسلامی در بلژیک

#### سفارتخانه های جمهوری اسلامی باید بسته شود!

روز ۴ فوریه ۲۰۲۱ دادگاهی در بلژیک اسداله اسدی دیپلمات جمهوری اسلامی را بجرم عملیات تروریستی و سازماندهی بمبگذاری در نشست سازمان مجاهدین خلق در سال ۲۰۱۸، به ۲۰ سال زندان محکوم کرد. این دادگاه همچنین تلاش وکلای اسداله اسدی برای عدم صلاحیت دادگاه بر مبنای "ماموریت دیپلماتیک" وی را رد نمود. اسداله اسدی و تیم همکارش همه دارای تابعیت ایرانی - بلژیکی هستند و از قرار این تابعیت سلب خواهد شد. سه نفر همکار اسداله اسدی یعنی امیر سعدونی، نسیمه نعمی و مهرداد عارفانی به ترتیب به ۱۵ سال، ۱۸ سال و ۱۷ سال زندان محکوم شدند.

این اولین پرونده ترور جمهوری اسلامی در خارج کشور نیست. در جریان میکونوس و بمبگذاری های آرژانتین، سران اصلی حکومت تا سفارتخانه های رژیم درگیر بودند. پرونده ترورهای رژیم در خارج علیه عناصر و فعالین نیروهای اپوزیسیون قطور است و در موارد زیادی با سکوت و معامله و معاوضه دول غربی با جمهوری اسلامی خاتمه یافته است. اما این اولین بار است که یک دیپلمات جمهوری اسلامی به جرم تلاش برای اقدام تروریستی در دادگاههای اروپا محکوم می شود.

این دادگاه می تواند یک آغاز باشد، آغاز همه گیر شدن این شعار قدیمی کمونیست ها که سفارتخانه های جمهوری اسلامی مرکز تدارک و لجستیک ترور و سازماندهی جاسوسی است. اما ما کارگران و مردم آزادیخواه ایران هستیم که کار را تمام خواهیم کرد، چه در داخل و چه در خارج کشور. با سرنگونی جمهوری اسلامی کلیه مزدوران و جاسوسان جمهوری اسلامی، کسانی که در ترور و جنایت شریک بوده اند، باید در مقابل



## چهار میلیون و دویست هزار توده‌نی به فتوای خامنه‌ای علیه واکسن کرونا!

جمال کمانگر

مبارزه با هیئت حاکمه فاسد رژیم اسلامی است. حتما در وزارت بهداشت و درمان هزاران نفر کادر پزشکی و درمانی وجود دارند که میتوانند به نیابت از مردم نقش نظارت کننده داشته باشند و از کانالهای مختلف مردم را در جریان پروسه واکسیناسیون قرار دهند.

۴ فوریه ۲۰۲۱

در باره محکومیت چهار مامور اطلاعاتی جمهوری اسلامی در بلژیک

سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی باید بسته شود ...

دادگاههای منتخب مردم در مقابل چشم جهانیان پاسخگو باشند.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست ایرانیان آزادیخواه در خارج کشور را فرامیخواند که اعتراض متحد برای بستن سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌های جمهوری اسلامی را بعنوان مراکز سازماندهی ترور و جاسوسی گسترش دهند. سیاست ما جمع کردن بساط جمهوری اسلامی در خارج کشور است. سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی باید بسته شوند.

مرگ بر جمهوری اسلامی!

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست

۴ فوریه ۲۰۲۱

کارگران در اعتراضات به مجمع

عمومی متکی شوید!

جنبش مجمع عمومی کارگری را

گسترش دهید!

ما در مناسبت‌های مختلف اعلام کرده ایم که فتوای خامنه‌ای علیه واکسنهای موثر در بازار مانند "فایزر"، "مدرنا" و "آسترازنکا" در زمره فرمان قتل عام عمومی است و باید بشدت محکوم و جلوی آن گرفته شود. مردم را فراخوانده ایم که جمهوری اسلامی موظف است از هر جایی واکسن بخرد اما واکسنی معتبر و بصورت رایگان در اختیار کلیه ساکنین ایران قرار گیرد. نفرت و اعتراض وسیع مردم علیه فتوای خامنه‌ای به وسعت جامعه ایران است. مرگ یک نفر تراژدی بزرگی است و خامنه‌ای از زمانی که فتوایش را علیه واکسنهای ساخت آمریکا و انگلیس و آلمان و فرانسه صادر کرده است باعث و بانی مرگ صدها نفر در ایران شده است. همین یک قلم کافی است تا به جرم جنایت علیه بشریت، خامنه‌ای و رژیم اسلامی را به محاکمه کشاند. ما اعلام کرده ایم که فتوای خامنه‌ای علیه واکسنهای موجود در بازار از جنس "شاش شتر" و "روغن بنفشه" و "عطر پیامبر" است که باعث تعمیق نفرت و تمسخر مردم علیه شخص خامنه‌ای و دین اسلامش شده است!

سمبه اعتراضات مردم، به دلیل شرایط و محدودیتهای کرونایی هرچند امکان بروز بیرونی و ملیونی پیدا نکرد، اما به حدی پر زور بود که رژیم را نیم کلاج وادار به عقب نشینی کرده است! سعید نمکی وزیر بهداشت رژیم اسلامی روز پنجشنبه ۱۶ بهمن ۱۳۹۹ برابر با چهارم فوریه ۲۰۲۱ اعلام کرده است که چهار میلیون و دویست هزار دوز واکسن انگلیسی "آسترازنکا" از طریق سازمان بهداشت جهانی وارد ایران میشود. تائید و اعلام این خبر از سوی وزیر بهداشت رژیم یک پیروزی برای اعتراض برحق مردم و چهار میلیون و دویست هزار توده‌نی محکم به فتوای خامنه‌ای علیه واکسن کرونا است! فتوای خامنه‌ای یک رسوایی داخلی و بین المللی برای رژیم اسلامی محسوب میشود و لکه ننگ دیگری است بر پیشانی رژیم جنایتکار اسلامی که جان مردم برایش ارزشی ندارد. اما ورود اولین محموله واکسن هنوز پایان کار نیست و مبارزه برای بهداشت و درمان و واکسیناسیون رایگان ادامه دارد. واکسیناسیون همگانی و رایگان حق بی قید و شرط مردم است و تمام واجدین شرایط دریافت کننده واکسن باید از آن بهره مند شوند.

مردم باید اعلام کنند به رژیمی که رهبر آن علیه واکسن کرونا فتوا صادر میکند اعتماد ندارند و خواهان نظارت سازمان بهداشت جهانی بر نحوه توزیع و واکسیناسیون در ایران باشند. بسیار محتمل است واکسنهای دریافتی را به منبع درآمدی دیگر در بازار سیاه تبدیل کنند و یا آنرا اساسا در اختیار عوامل رژیم قرار دهند. بنابراین تنها مرجعی که میتواند نظارت مستقلی بر نحوه واکسیناسیون در ایران داشته باشد سازمان بهداشت جهانی است. مردم باید خواهان شفافیت و نحوه عملکرد دولت و وزارت بهداشت و پروسه واکسیناسیون شوند. باید معلوم باشد و مردم مطلع باشند چه بخشهایی از جامعه واکسن دریافت کرده اند، نوبت ها و اولویت ها روشن باشد. نباید اجازه داد که واکسنهای "آسترازنکا" مالاخور شوند! درخواست شفافیت در پروسه واکسیناسیون بخشی از

## نمایش ابتدال هنرمندان درباری

### در "دهه زجر"!

ملکه عزتی



زجر با حضور امثال باران کوثری که در مضحکه انتخابات رییس جمهوری با انگشتهای بنفش و سحر قریشی همان که با رفتار شنیع اش با کارگر پارکیان و افاضاتش در رابطه با حضور زنان در استادیوم مدتها در صدر اخبار فضای مجازی قرار داشت، برگزار میشود. این دو امسال جهت تفرج مردمی که زیر بار گرانی و بیکاری و فقر کمرشان خم شده، با دو فیلم کمدی در جشنواره ۳۹ ظاهر میشوند. اینها ایدا شرم نمی کنند که مزد هنر مجیزگویی و تطهیر حکومت جنایت با خون جوانان معترض در آبان و دیماه ۹۷ و ۹۸ آغشته شده است.

در این بازار مکاره هنر سفارشی مهدی طباطبایی نژاد شارلاتانی از دایره حکومتیان در نشست خبری مجازی! اعلام میکند خوشبختانه با حرکت کاهشی ابتلا به کرونا در کشور، به گزینه نمایش مردمی جشنواره رسیدیم و جشنواره در هفتاد سالن سینمای تهران و شهرستانها برای مردم نمایش داده خواهد شد ضمن آن که امسال همه علاقه‌مندان به سینما در تمام استانها می‌توانند همه آثار جشنواره را ببینند و در آرای مردمی شرکت کنند!! و این در حالی است که استاندار تهران از افزایش ۴۰ درصدی بیماران کرونایی بخصوص در بخش درمان خبر میدهد. آش آنقدر شور است که وزارت بهداشت به تعداد و حجم این نمایشات حکومتی اعتراض کرده و اعلام کرده اند در صورت افزایش دامنه این وضعیت تجمعات را ممنوع اعلام میکنند. طی یکسالی که از شیوع پاندمی کرونا میگذرد جدال بین مرگ و زندگی در جامعه میدانی بود که انسانها با دست خالی به مصاف این ویروس مرگبار رفتند. شهروندان محرومی که روزی با فتوای خامنه ای و تحریم خرید واکسن خارجی تهدید میشوند و چند صباحی با تجویز روغن بنفشه مورد تحقیر قرار میگیرند، اینبار در سالنهای سینما در خطر ابتلا به کرونا هستند.

در مراسم مجازی معرفی برنامه های "دهه فجر" لیست بلند بالایی از هنرمندانی چون شهاب حسینی، پرویز پرستویی، رضا عطاران و تعدادی دیگر که نام هنرمند و هنرپیشه را با خود یدک میکشند در جیب طباطبایی موجود است که کاروان حمایت و جلب پشتیبانی از حکومتی را تشکیل داده اند که ۴۲ سال است برای سرکوب طبقه کارگر و زن و مرد و پیر و جوان آن جامعه به هر ابزاری متوسل شده است. این صف حقیر نان به نرخ روز خور برای نمایش فیلمهای مبتذل شان در نمایش حکومتی "دهه فجر" دست به سینه در صف ایستاده و چپ و راست مشغول عکس گرفتن با پز هنری در کنار مجسمه سلیمانی تروریست هستند و آماده دریافت جایزه. برآستی این درجه از حقارت و فرومایگی مایه شگفتی هر انسان با وجدانی است.

اینها بخش هنری همین حکومت اند، از جنس همین حکومت اند و از آن ارتزاق می کنند. این به اصطلاح هنرمندان روزانه مشغول کاسه لیبسی ارگانهای قدرت هستند. آنها در جدال مردم با حکومت در جبهه هنری حکومت شمشیر می زنند. این جماعت کاسه لیبس ارتجاع و استبداد را حتی اگر فاقد شعور و حافظه تاریخی بدانیم، با اینحال بعید میدانم اینها خشم آبان و دیماه را بخاطر نداشته باشند و از اخبار اعتراضات بیوقفه کارگران، پرستاران و بازنشستگان چیزی بگوش شان

این "هنرمندان" که در سایه حکومت اسلامی به نان و نوایی رسیده اند، شال و کلاه کرده اند که برای تثبیت و حفظ حاکمیت و تداوم سرکوب و استثمار با برگزاری جشنواره دهه زجر و به نمایش گذاشتن آثار مبتذل سینمایی و محصولات سفارشی سپاه و وزارت اطلاعات، خاک در چشم شهروندانی بپاشند که این حکومت ۴۲ سال است آنها را سرکوب و تحقیر میکند. تعدادی از این بی هنران بزرگترین افتخارشان شرکت در مراسم افطار روحانی و همراهی با خاتمی و حمل شال سبز است. جمعی از آنها با بازی در فیلمهایی چون (چه، اژانس شیشه ای، ماجرای نیمروز، تنگه ابوقریب، سیانور، بایکوت و سریال روزهای ابدی) در مقام وقاحت، هنر گشتاپویی و پروپاگاندا گوبلزی را روسفید تاریخ کرده اند. این هنرمندان درباری زمانی که در مجامع بین المللی بعنوان سفیر هنری حکومت ترور و اعدام ظاهر میشوند به کمتر از پاپیون و اسموکینگ رضایت نمیدهند، در برگشت به "وطن اسلامی" ریش "ارزشی" میگذارند، پاپیون جای خود را به پیراهن یقه بسته میدهد و آنگاه جایزه ها تقدیم "امام حسین" و "رهبر" میشود. این سفیران هنری بی هنر و تملق گوی حکومت اسلامی در حالیکه در مجالس هنری در فرانسه و ایتالیا با عکس گرفتن با ستارگان سینمای امریکا و اروپا ژست می گیرند، در ایران افتخارشان گرفتن عکس در کنار مجسمه قاسم سلیمانی تروریست در سالن های نمایش فیلم فجر ۳۹ است. سیرک دهه



## لغو اعدام در گرو سرنگونی حکومت اعدام است

نادر شریفی

وقتی کمی به گذشته مان نگاه میکنیم، لیستی طولانی از افرادی را می بینیم که در زندانهای رژیم های پهلوی و جمهوری اسلامی اعدام شدند. اعدام های سیاسی، اعدام بدلیل ارتکاب جرم و سرقت، اعدام زنان برای مقاومت در مقابل تجاوز، اعدام خیابانی در تظاهرات با شلیک گلوله، اعدام های صحرایی و قتل عام ها. در جمهوری اسلامی حکومت اعدام که بعد از چین در مقام دوم آدمکشی دولتی در جهان قرار دارد این لیست بی شمار و نامعلوم است. در چهل و دومین سال حاکمیت خونبار ارتجاع اسلامی با پرونده بیش از صد هزار اعدام، همچنان هزاران انسان در زندانهای حکومت اسلامی زیر حکم اعدام قرار دارند. اعدامهای سیاسی با تشدید بحران حکومت بیشتر شده است و زندانیان سیاسی همواره مورد تهدید جانی قرار دارند.

اعدام میراث وحشیانه قرون وسطی و ابزار دولتهای سرمایه داری برای اعمال قدرت و ایجاد رعب و وحشت در جامعه است. اعدام حاصل اختناق و استبداد و سرکوب است و هدف بلافصل آن عقب راندن مبارزات طبقه کارگر و مردم آزادیخواه است. بویژه در جوامعی که مبارزات طبقاتی اوج میگیرند و حکومتها مورد تهدید سقوط و سرنگونی قرار دارند، ابزار اعدام و ترور و قتل بیش از پیش مورد استفاده قرار میگیرد چون حکومتها جز این روشها راهی برای بقای خویش نمی بینند. محکومین به اعدام از جمله معترضین دیمه و آبنا، درست مانند معترضین دهه شصت، واکنش حکومت به تلاش برای سرنگونی است. تردیدی نیست که حکومت اسلامی در موقعیت دهه شصت نیست و مردم و جامعه نیز همینطور. کشتار آبان و اعتراضات بلافصل بعدی نشان داد که این ابزار قتل خیابانی و اعدام و کشتن زیر شکنجه، با تمام توحش حکومتی ها و وحشتی که ایجاد میکند، دیگر همان تاثیر سابق را روی جامعه ندارد. بعبارت دیگر عزم جامعه بدرست بر این است که برای متوقف کردن ماشین اعدام و سرکوب باید حکومت اعدام و مبتنی بر سرکوب را سرنگون کرد.

جمهوری اسلامی بطور حتم آگاه است که مبارزات امروز طبقه کارگر از جمله کارگران هفت تپه، هپکو، کارگران نفت و گاز، پتروشیمی ها، پرستاران، معلمان، فوادی ها و بازنشستگان، از جنس دیگری است. این جنبش کسانی نیست که میخواهند دستهای خونین نظام شان را در لجنزار اصلاح طلبی حکومتی و استحاله جمهوری اسلامی پنهان کنند. این جنبش کسانی نیست که واگذاری قدرت از بالا به اپوزیسیون طرفدار بانک جهانی و بازار را دنبال میکنند. طبقه کارگر ایران با فرزندان و پدران و مادران خود که در فقر مطلق و سرکوب بی امان بسر میبرند، خواهان تغییرات اساسی اند و مبارزه آنها با خلع ید کامل از نظام سرمایه داری پیروز میشود. حکومت اسلامی بیش از هر زمان با یک اعتراض گسترده طبقه کارگر روبرو است که اعتصابات و اعتراضات متوالی و خیزش توده ای دیمه نود و شش و در ادامه آن آبان نود و هشت علیه فقر و گرانی مقاطع اوجگیرنده آن هستند. اینها آمده اند بساط نظام سرمایه را سرنگون کنند و نظام ارجحیت سود را در جامعه

لایروبی و بدور بریزند. این جدال امروز در سرنگونی کانونی شده و اینکه پروسه سرنگونی چگونه باشد و کدام نیروها در آن دست بالا را داشته باشند، آینده نیز رقم میخورد و شکل میگیرد. امروز رهبران کارگری و جوانان انقلابی در خط اول مبارزات جاری در جامعه فریاد میزنند؛ راستها، فاشیستها خودتان را به ما نجسباند!

رهبران طبقه کارگر راه به جامعه نشان میدهند. نه فقط جمهوری اسلامی بلکه اپوزیسیون بورژوائی تا رسانه ها "خطر چپ" را جدی میدانند و در رفتار و سیاست و گفتارشان بروز میدهند. جواب جمهوری اسلامی هم تاکنون زندان و شکنجه، قتل عام خیابانی مخالفین سیاسی و توده معترض انقلابی بوده است. ماشین اعدام نیز مرتباً از زندانیان قربانی میگیرد. بی جهت هم نیست که بر اساس آمار سازمانهای جهانی، جمهوری اسلامی پس از حکومت چین، بیشترین میزان اعدام در جهان را بخود اختصاص داده است. بی دلیل نیست که جمهوری اسلامی با داعش و طالبان و القاعده و این جانوران وحشی همخونی دارد و برایشان فرش قرمز پهن میکند.

بنابر این می توان ادعا که استفاده از ابزار سرکوب و اعدام برای حکومتهایی که تصرف قدرت سیاسی توسط طبقه کارگر آن جامعه در دستور روز اوست، بمراتب بالاتر است. فراموش نکنیم که جمهوری اسلامی در ادامه حکومت سلطنتی وقتی به قدرت گماشته شد که نظام شاهنشاهی موفق نشد چپ و کمونیسم در جامعه را به عقب براند. پس از آنان جمهوری اسلامی و خمینی بعنوان نماینده لجنزار اسلامی ماموریت گرفت که از کردستان تا تهران، از خوزستان تا مازندران با برپائی اعدامهای دستجمعی کمونیستها و آزادیخواهان، نظام سرمایه را از خطر کارگر و چپ و کمونیسم در متن یک انقلاب نجات دهد. جمهوری اسلامی با تشدید مبارزات اجتماعی برای سرنگونی نظام اسلامی، شرط بقای نظام را در گسترش اعدام و سرکوب می بیند. در تقابل با مبارزات سرنگونی طلبانه انقلابی برای ایجاد رعب و وحشت به دنبال گردن برای طنابهای دارش میگردد.

**مبارزاتمان برای آزادی زندانیان سیاسی و لغو اعدام را گسترش دهیم!**

کارگران که برای نان و معیشت و حق سلامتی و رفاه عمومی مبارزه میکنند، همزمان خواهان لغو فوری اعدام، آزادی بلافاصله همه زندانیان سیاسی، برابری حقوق زن و مرد، رفع تبعیض ها و نابرابری ها هستند. مبارزه بر علیه اعدام در ایران، جبهه ای از مبارزه بر علیه جمهوری اسلامی است. نمی شود اینها را از یکدیگر تفکیک کرد. مبارزه برای توقف ماشین سرکوب و جلوگیری از اجرای احکام صادر شده اعدام نیز ادامه این جدال است.

باید با تمامی قوایمان به جنگ این حکومت جنایتکار برویم، مبارزه مان را برای آزادی بی قید و شرط کلیه زندانیان سیاسی و لغو فوری احکام اعدام و مجازات اعدام تشدید کنیم. #اعدام\_قتل\_عمد\_دولتی\_است



## مردم در کمین نشسته اند!

### سناریوهای امنیتی، اطلاعاتی چیزی جز ناکامی و کابوس سران رژیم نیست!

نیروی مخالف و اپوزیسیون را ندارید. ما و طبقه کارگر، ما و مردم ایران در یک جنگ ناتمام با رژیم اسلامی هستیم و این جست و خیزهای امنیتی و تروریزه کردن فضای سیاسی و به ویژه شخصیت های خوشنام کمونیست را گوشه ای از این جنگ میدانیم. در این جنگ اما شما بازنده هستید!

این نوع تبلیغات جمهوری اسلامی و نهادهای امنیتی اش جدید نیست اما در وضعیت مشخص کنونی دلایل مشخصی دارد: اولاً، رژیم از ترس قیام و خیزش و انفجار توده ای شب و روز ندارد. این ترسها از سر ضعف و جبنی است. ثانیاً، چپگرایی و تمایل به کمونیسم و نه گفتن به حکومت عمیق و قدرتمند است. ثالثاً، فساد سرتاپای حکومت را درنوردیده و حتی به نیروهای درون حکومت نیز اعتماد ندارند. جمهوری اسلامی روی بخش معدودی از جوانان که چیزی از آن تاریخ نمیدانند و دست شان به دهنشان میرسد کار میکند. اما احمق ها متوجه نیستند که آن روزهای مقاومت و اعمال حاکمیت توده ای، آن دوران شوراها و اداره کارخانه ها و محلات توسط کارگران و مردم انقلابی، آن روزهای اجتماعات وسیع و مبارزه توده ای نظامی، آنچنان میخ شان را در جامعه کوبیده اند که "ابدی" شده اند! اینکه هنوز جمهوری اسلامی ناچار شده بعد از چهار دهه کشتار و سرکوب مخالفان، با همان ادبیات دهه شصت و صدا و سیمای نکبت سراغ آنروزها بیاید، تنها نشان استیصال است. این یعنی اعلام شکست، یعنی هرچه این سالها رشته بودند پنبه شده است!

اقدامات رژیم اسلامی در میان مردم و بویژه در کردستان تأثیری ندارد. نفرت جامعه از حکومت بحدی است که این اقدامات حتی به ایجاد تردید در میان مردم نسبت به احزاب سیاسی منجر نمیشود. مضافاً اینکه جامعه کردستان یک جامعه حزبی است، بیشتر مردم این منطقه در یک رابطه نفرت با حکومت قرار دارند، هیچوقت روایت رژیم مورد قبول مردم کردستان نبوده و کمترین اعتمادی به رژیم در کردستان وجود ندارد. توجه بیشتر مردم به نیروهای بیرون حکومت، همبطن ریشه دار بودن نگرش و انتقاد کمونیستی و تعلق خاطر به جریانهای کمونیستی در کردستان، رژیم را نگران کرده است. کدام حکومت که بخودش اعتماد دارد می آید برای مخالفین سیاسی اش فیلم و مستند می سازد تا به مردم نشان دهد اینها چه هیولاهائی هستند؟ این مستند حتی نمیتواند صفوف نیروی سرکوب حکومت را برای مدتی قابل پیش بینی متحد نگاه دارد.

ما کمونیست های متشکل در حزب کمونیست کارگری - حکمتیست و از عناصر کلیدی مبارزه انقلابی در شهرهای کردستان بعد از انقلاب ۵۷، از حقانیت مبارزه انقلابی مردم در ایران و کردستان قاطعانه دفاع میکنیم. مبارزه ای که امروز کل ایران را درنوردیده است. مردم حق دارند و حق داشتند سلطه حکومت سرمایه و تحجر اسلامی را نپذیرند. مردم حق داشتند که در مقابل حمله هوائی و زمینی از خود دفاع کنند و سنگرهای مقاومت انقلابی سازمان دهد. مردم حق دارند

در جریان انقلاب ۵۷ و حاکم شدن ضد انقلاب اسلامی، جامعه کردستان به رهبری کمونیست ها تمام قد در مقابل رژیم تازه بقدرت پرتاب شده ایستاد، رژیم اسلامی را برسمیت نشناخت و اولین "نه" بزرگ را به حکومت اسلامی خمینی و بنی صدر گفت. آن "نه" به حکومت اسلامی بعد از چهار دهه سراسری شده و یک جامعه با اعتراض و اعتصاب و خیزش، با تمایلات برابری طلبانه و چپ خواب از چشم سران جمهوری اسلامی ربوده است. این واقعیت علت سربالهای تلویزیونی مذبحخانه اخیر رژیم علیه چهار دهه مقاومت و مبارزه در جامعه کردستان است.

آنروزها کردستان "سنگر انقلاب" بود، یعنی جایی که "حاکمیت رژیم اسلامی را نپذیرفته بود"، محل رویدادهای دورانساز است. یک "افتخار" مهم کلیه سران نظام، شرکت در سرکوب و جنایت در کردستان بوده است. در کردستان از همان روز اول و سرنگونی رژیم سلطنتی، مردم کارگر و زحمتکش با شوراها، ارگانهای اعمال حاکمیت، سازمانهای برآمده از انقلاب بمیدان آمدند و خلأ قدرت را پر کردند. آزادی و امنیت در کردستان زبانه زد بود. اما جمهوری اسلامی حمله نظامی کرد، مردم بیدفاع را به توپ و گلوله بست، خانه و مدرسه و بیمارستان را بمباران کرد، اعدامهای صحرایی راه انداخت، خلغالی جانی را با دادگاههای یک دقیقه ای به جان آزیدخواهان انداخت. جنگ قومی و مذهبی و کشتار در قارنا و قلاتان و ایندراش سازمان داد. رژیم جدید آمده بود تا با سرکوب نظامی حاکمیتش را مستقر کند و کمونیست ها فرماندهان سازماندهی مقاومت توده ای و مسلحانه در مقابل ضد انقلاب اسلامی شدند. خلع سلاح سپاه پاسداران در ۲۳ تیر ۱۳۵۸ مریوان، کوچ تاریخی مریوان، تحصن بزرگ شهر سنندج و بنکه ها و شوراها محلات و جنگ ۲۴ روزه خونین سنندج، سالها جنگ و مقاومت انقلابی در مقابل یورش نظامی رژیم به کردستان، مستند و غیرقابل تحریف است. صدیق کمانگرها، کمونیست ها و شخصیت های سیاسی امروز حزب حکمتیست که از رهبران جامعه و عناصر کلیدی ایندوران هستند، در سناریوی امنیتی رژیم اسلامی مورد حمله و هجوم قرار گرفته اند.

مخوف ترین حکومت سرکوب انقلاب، کسانی که حتی نزدیکترین عناصر جنایتکار رژیم شان را سر به نیست کردند، حکومتی که خالق هولاکاست اسلامی دهه شصت است؛ علیه کمونیست ها و انقلابیونی که رژیم اسلامی را برسمیت نشناختند، نسبت قتل و جنایت و سرکوب میدهد؟! در کارخانه تولید جعل تاریخ و روایت بزبان سرکوبگران، کمتر چهره سیاسی و جریان اپوزیسیون از راست و چپ پیدا میکنید که در این کمپین نازل و نخ نما در امان مانده باشند. به نظر ما هر جریان سیاسی که در نبرد برسر سرنگونی جمهوری اسلامی است، موظف است در مقابل جمهوری اسلامی از تاریخ مقاومت و حقانیت مبارزه انقلابی دفاع کند. جواب ما اینست؛ جمهوری اسلامی ساکت شو! شماها همه تان در انتظار محاکمه بجرم جنایت علیه بشریت از جمله در کردستان هستید. شما مطلقاً صلاحیت قضاوت و زیر سوال بردن هیچ

## ما می گوئیم؛

### مرگ بر طالبان چه در کابل چه تهران!

سیاوش دانشور

توجهات سفر هیئت طالبان به تهران و دیدار با سران نظام، کم کم دارد از خود سفر بامزه تر میشود. شمخانی دبیر "شورای عالی امنیت ملی" فرموده؛ «در ملاقات امروز با هیات سیاسی طالبان، رهبران این گروه را در مبارزه با آمریکا مصمم دیدم. کسی که سیزده سال در گوانتانامو زیر شکنجه‌های آن‌ها بوده، مبارزه با آمریکا در منطقه را کنار نگذاشته است».

یعنی چون طالبان و جمهوری اسلامی هر دو خیلی ضد آمریکا هستند، آب از لب و لوجه شمخانی آویزان کرده است! مسخره بازی و عوامفریبی هم حدی دارد. جالب است هر دو حکومت اسلامی چه در ایران و چه در افغانستان، محصول و ساخت آمریکاست. جزو دست سازترین‌ها توسط آمریکاست. هر دو در متن کش و قوس‌های جنگ سرد و تقابل آمریکا با گسترش "نفوذ کمونیسم" در منطقه با حمایت آمریکا بقدرت رسیدند. نکته دیگر اینست که هم جمهوری اسلامی و هم دولت آمریکا اتفاقاً در مورد مسائل افغانستان سابقه همکاری دارند. در مذاکرات با طالبان نیز هر دو مواضع عمدتاً یکسانی دارند. این حقه بازها قورباغه را رنگ میکنند و بجای فولوکس واگن میفروشند. هر دو طرف که از رگ و ریشه شان تا نشست و برخاست امروزشون با آمریکاست، ژست ارتجاعی ضد آمریکائی میگیرند.

کارگران و مردم آزادیخواه ایران دشمن آمریکا و هیچ مردمی در جهان نیستند، دشمن حکومتها و دولتهای سرمایه داری اند. ما به شما قاچاقچیان بین المللی موارد مخدر، به شما تروریست‌ها و جنایتکاران حرفه‌ای، به شما حکومت‌های ضد زن و ضد کارگر و ضد انسان می‌گوئیم؛ مرگ بر طالبان چه در کابل چه تهران!

۳۰ ژانویه ۲۰۲۱

## زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده‌ای را همه  
جا برپا کنید! در کارخانه‌ها و محلات شوراها  
را برپا کنید! امروز شورا ارگان مبارزه و قیام  
و فردا ارگان حاکمیت!

## مردم در کمین نشسته اند!

### سناریوهای امنیتی، اطلاعاتی چیزی جز ناکامی و

### کابوس سران رژیم نیست ...

دگرباره برخیزند، مقاومت و قهر ضد انقلابی ماشین سرکوب را با قهر انقلابی در هم بکوبند. این جنگ تمام نشده است و ما خوشوقتیم که در این سنگرها بعنوان رهبران و فرماندهان این جنگ علیه جمهوری اسلامی و سرمایه داری حضور داریم.

درد رژیم امواج خروشان علیه فقر و فلاکت و نداری و بیماری است که هر روز در هر گوشه ایران سر بلند میکند و ماهیتا چپ است. جنبشی که معیشت و درمان و آموزش و آزادی و رفاه را برای همه میخواهد، بدون تردید از سوسیالیسم نیرو می‌گیرد و به احزاب سوسیالیستی و کمونیستی نزدیک است یا نزدیک خواهد شد. ما کمونیست‌ها جواب جمهوری اسلامی را در شهرهای ایران و کردستان در صف اول سنگرهای انقلابی و اعتراضات و اعتصابات خواهیم داد. آنروز که دگرباره پرچمهای سرخ کران تا کران در دستان کارگران و مردم انقلابی برقص درآیند، دور نیست. روزهای محاکمه جنایتکاران و تروریستها در قتل عام‌های فجیع در کردستان و هر گوشه ایران نزدیک است.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۱۲ بهمن ۱۳۹۹ - ۳۱ ژانویه ۲۰۲۱

## نمایش ابتدال هنرمندان درباری در "دهه زجر" ...

نخورده باشد. خوب است به آنها گوشزد کنیم که شریک شدن در روزهای آخر حکومتی که با جنایت تا امروز دوام آورده بازی باخت - باخت است. شاید برای برخی از شماها هنوز فرصتی باشد، بهتر است شغل آبرومندانه‌ای برای خودتان دست و پا کنید، این نانی که میخورید آغشته به خون جوانان و کارگران است.

۴ فوریه ۲۰۲۱

COVID-19  
Vaccine

رایگان  
استانداردهای  
جهانی را  
برای همه

واکسیناسیون رایگان  
با استانداردهای بهداشت جهانی،  
حق فوری کلیه ساکنین ایران است!



شورای همکاری  
نیروهای چپ و کمونیست

## دریغ از یک جو شرافت سیاسی

سیوان کریمی

تصویر و تصور اینکه رژیم اسلامی با تهیه مستندات و فیلمهای خود برای تحریف تاریخ تلاش میکند، برای عده ای سخت است. شرمساری زمانی است که این عده تاریخی سیاسی در پشت سر دارند و سألهای زیادی را به قول خودشان با رژیم اسلامی در مبارزه بودند. شنیده و دیده ایم که عمر انسان ضرورتاً دلیلی برای منطقی بودن و تفکر عقلایی نیست. این روایت رژیم اسلامی، بار دیگر بر این موضوع صحت گذاشت.

تلاش "مجد مہندی ها" و "جمشید عبدی ها" برای فاکتورگیری از این مستندات و برجسته کردن تلاش کمونیستها برای نشان دادن چهره واقعی عبدالله مہندی و سازمان متبوعش در دوره ای برای ترور مخالفین سیاسی، و استفاده رژیم از آن برای ضربه زدن به "جنبش کردستان" از این دست است. اینها تازه به دوران قاسملو در سالهای ۵۷ و ۵۸ بازگشته اند. تازه فهمیده اند که حق با قاسملو بود که کردستان را یک جنبش و آنهم با پایه های ناسیونالیستی میدید. اراحیف یکساعته صدا و سیما رژیم اسلامی در مورد یک تاریخ اصلاً برایشان مهم نیست، اما دفاع کمونیستها از خود و تقبیح توطنه ترور توسط رهبری وقت سازمان زحمتکشان را "همسویی با رژیم اسلامی" میدانند!

دفاع از ترور مخالفین سیاسی دفاع از عمل ترور است. لازم نیست که در یک ترور حضور فیزیکی داشته باشید. همان که شما میدانید که چنین طرحی وجود داشته، کسانی که ماموریت پیدا کرده اند به آن اذعان کرده اند، و شماها، بدون هیچ نفدی، بدون هیچ تقبیحی و بدون محکوم کردن آن، از کنارش میگذرید، هم آوایی با ترور نیست؟ این مگر تایید صحبتهای خالد عزیز نیست که گفت آرزو دارد "کرد"، "کرد" را اعدام کند؟ جمهوری اسلامی با بریدن و سر هم کردن صحبتهای علنی و منتشر شده علیه این طرح ترورها، تا آنجا پیش میرود که خود را دلسوز جامعه کردستان نشان دهد و شماها به راحتی در دام این سناریو قرار میگیرید. چه سیاسیونی دارد این جامعه!

کلاه خود را قاضی کنید و در خلوت خود دوباره این مستند را ببینید. خارج از نقدهای کمونیسم کارگری به طرح ترور شکست خورده رهبری وقت سازمان زحمتکشان، آنچه از زبان دیگران در این برنامه منتشر میشود، ادعاهایی علیه این احزاب است. همین اعضای آنها نیستند که از دزدی، خیانت و ... صحبت میکنند و در لایوهای فیسبوکی ماهیت این احزاب را افشا میکنند. چرا در مقابل آنها لال میشوید؟ اگر ما واقعیتهایی را میگوئیم که خود شما به آن آگاهی، چرا نسبت به ادعاهای دوستان سابق خودتان لام تا کام صحبت نمیکنید؟

### جنبش یا جنبش ها

شما به دوران قاسملو بازگشته اید. شما جامعه کردستان را یک جنبش میبینید و دوباره تاریخ تکرار میشود. اگر در آندوران رهبران احزاب کنونی تان، شمشیر زنان صف اول در اثبات وجود "جنبشهای اجتماعی"



به جای "جنبش کردستان" به حزب دموکرات بود، اما امروز به شمشیر دست این احزاب تبدیل شدند. شما حق دارید که جنبش سیاسی خود را تعیین کنید. شما مختارید. اما دیگر نمیتوانید آنرا به جامعه آگاه امروز بفروشید. ۴۰ سال قبل حزب دموکرات شکست خورد، چهل سال است که رژیم اسلامی هرچه میزند

به سنگ میخورد و شما تازه در اول راه این مسیر هستید. کردستان یک جامعه طبقاتی است. این بدیهیت را باید بپذیرید. اگر میخواهید باورهای گذشته خود را دفن کنید، بهترین راه این است که مانند عبدالله مہندی از گذشته خود ابراز شرم کنید. قضاوت را به جامعه بسپارید.

### ادامه نقد ما

اما تلاش شما مبارزان سیاسی برای پاک کردن صورت مساله یک بیراهه دیگر است. ما کماکان و برخلاف شما، رژیم اسلامی را دشمن اصلی و قسم خورده خود میدانیم. مبارزه ما با رژیم اسلامی، مبارزه برای سرنگونی این رژیم است و نقد ما به احزاب ناسیونالیست، گذاشتن انتخاب و راهی جلو جامعه در این مسیر است. شما متأسفانه از جدا کردن این دو موضوع عاجزید. شما منتقد را دشمن میدانید. اما مستند رژیم، برداشت شما از این مستند، و کور شدن در مقابل بخش عظیمی از اتهام و بیحرمتی اعضای سابق و کنونی تان به احزاب، نمیتواند یک ذره از نقد ما به شما را کم کند. رژیم اسلامی حتی نتوانسته است یک کلمه، یک ثانیه از صدها مقاله و برنامه تلویزیونی در نقد این احزاب را در مستند خود بگنجاند. هر سیاست و تحرک این احزاب که به ضرر جامعه کردستان، به ضرر کارگران و زحمتکشان این جامعه باشد، بدون شک و تردید از طرف ما با نقد جدی و مستدل روبرو میشود. از این مساله مطمئن باشید.

### سخنی با نسل جوان کردستان

در کردستان به رهبری کمونیست ها از همان ابتدا رژیم اسلامی یک "نه" دریافت کرد. ساخت فیلم و مستند، ترس از ریشه این "نه" است. تاریخ مبارزات طبقاتی در کردستان اهمیت ویژه ای دارد. اگر این تاریخ را دسته بندی کنیم، یک طرف آن رژیم اسلامی است که تلاش می کند با تحریف و وارونه کردن این تاریخ، با حمله به شخصیت های محبوب این مبارزات و با هدف گرفتن جوانان در این جامعه که در این تاریخ حضور نداشتند، روایت کند. جمهوری اسلامی متهم ردیف اول در ترور و خفقان است. هر شخصی که بخواهد در مقابل این رژیم صدایی بلند کند، باید در سیاه چاله های رژیم به دنبال او بگردیم. کافی است نگاهی به دور و بر خود، به خانواده خود و حلقه نزدیکانتان بیاندازید. نمونه هایی را حتما پیدا می کنید. رژیم که خود خالق کشتارهای دهه ۶۰ بود، خاوران و "لعنت آباد" را به ارث گذاشت، حق دفاع از انسان و انسانیت را ندارد. حق ندارد حتی در تقبیح ترور سخن بگوید.

همین نسل جوان، این هم نسلهای من، در اعتراض به وضعیت موجود و فقر و گرانی به خیابان آمدند. چه شد؟ مگر جز این بود که با زبان گلوله به پیشوازشان رفتند. این رژیم ها آخرین نفسهایش را میکشد. اما باز هم به دنبال تحریف تاریخ و تحمیل آن به جامعه است. اگر از نسلی که در دوران قیام ۵۷ حضور داشت در مورد این دوران

## دریغ از یک جو شرافت سیاسی ...

پرسید، تمام تحریف و دروغهای رژیم برایتان عیان می شود. برای فهم حقیقت باید به تاریخ زنده این دوران مراجعه کرد. باید به همسنگران "فواد مصطفی سلطانی ها" و "صدیق کمانگرها" مراجعه کرد. این تاریخ را از زبان کسانی باید شنید که هر لحظه با رژیم اسلامی در جنگ بودند، برای دفاع از انسانهای آن جامعه خود را در مقابل گلوله های این رژیم قرار دادند و خالق حماسه های بزرگی شدند. این تاریخ را باید از زبان کسانی شنید که به خاطر دفاع از مردم یک شهر، کوچ تاریخی مریوان را سازمان دادند تا نقشه رژیم برای به خاک و خون کشیده شدن یک شهر را، نقش بر آب کنند. این تاریخ هنوز خالقین زنده خود را دارد. جنگ ۲۴ روزه سنج را، که به سنج خونین مشهور شد، رژیم اسلامی به مردم تحمیل کرد. پایه گذاران این تاریخ زنده اند و نیازی نیست به صدا و سیمای رژیم اسلامی که بنگاه دروغگویی است، مراجعه کرد. فرمان خمینی و بنی صدر برای حمله به کردستان و دستور آنها که "تا گرفتن کردستان چکمه هایتان را از پا در نیورید" هنوز در گوش ها زنگ میزند. اگر صحبت از ترور و وحشت است، رژیم اسلامی اولین متهم این وضعیت است.

### جایی که جای قاضی و متهم عوض می شود!

این وارونه نگاری و تحریف تاریخ، تلاش رژیم برای جابجایی خالقان داستان واقعی تاریخ است. تلاشی است که می خواهد انقلابیون آن جامعه را بر صندلی متهم بنشانند. اگر مردم قرار باشد قضاوت کنند، رژیم اسلامی با تمام آمرین و مامورینش باید در این صندلی بنشینند و به تاریخ پاسخ بدهند. صدیق کمانگر بود که قضاوت کرد و رای بر برحق بودن مردم داد و در کنارشان ایستاد. از حقشان دفاع کرد و فرستادگان خمینی را دست از پا درازتر به آغوش "رهبرشان" پس فرستاد. این سیرکهای تلویزیونی نمی تواند ذره ای تزلزل در دل مردم آن جامعه ایجاد کند.

این تلاشهای رژیم از سر ضعف است. چهار دهه تلاش "فرهنگی" در جامعه، به سنگ خورده است. اگر نسل قبل از ما با تمام کوچ و خیابانهای کردستان خاطره مبارزه و دفاع از مردم را دارند، ما نسل جوان امروز نه تنها باید این تاریخ واقعی را زنده نگه داریم، بلکه برای تکرار آن و اینبار برای پیروزی و گرفتن قدرت توسط خود ما، اقدام کنیم.

فوریه ۲۰۲۱

### به حزب کمک مالی کنید!

حزب کمونیست کارگری - حکمیست به کمک های مالی شما نیازمند است. لطفا کمک های مالی خود را از طریق این شماره حساب برای حزب بفرستید:

Norway

Account number: 0532 1432 400

Account holder: IKIR

IBAN: NO57 0532 1432 400 BIC: DNBNOKKXXX

Bank: DNB



نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمیست

سردبیر: سیاوش دانشور

[Siavash\\_d@yahoo.com](mailto:Siavash_d@yahoo.com)

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

سردبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

کمونیست

اطلاعیه شورای همکاری در باره،

## مستندهای امنیتی و ضد انقلابی جمهوری اسلامی

## علیه چپ ها و کمونیست ها!

یک جبهه جنگ جمهوری اسلامی با رادیکالیسم و تلاش برای تغییر، "کار فرهنگی" و جدال بر سر جا انداختن روایت جعلی از تاریخ بطور عام و انقلاب ۵۷ بطور خاص بوده است. بخش هایی از سریال "روزهای ابدی" و مستند امنیتی "لبه دوم تیغ" که از صدا و سیما رژیتم در مورد رویدادهای بعد از انقلاب در کردستان تهیه و پخش شدند، ادامه برنامه های امنیتی و شوهای "هویت"، "چه مثل چگوارا"، انتشار کتاب ها و اسناد علیه چهره های جنبش چپ از قبل از انقلاب تاکنون است. قرار است علیه انقلابیگری و عمل انقلابی، علیه سازماندهی مقاومت توده ای و مسلحانه در مقابل یورش نظامی، علیه نفس انقلاب و تحول انقلابی، علیه سازندگان و رهبران مشهور چپ و کمونیست در مقاطع و رویدادهای مهم بعد از انقلاب و در کردستان روایت دیگری بدهند. قطعاً از آن تاریخ روایت های مختلفی وجود دارد، اما قبل از اینکه از صحت هر روایتی حرفی در میان باشد، صحبت بر سر جایگاه راوی است.

تصور اینکه رژیمی مرتجع، ضد انقلابی، خشن، که با کشتار سر کار آمده و با اعدام و نسل کشی در مقاطع مختلف سرپا مانده است، رژیمی که حتی نزدیکترین عناصر کلیدی خود را با توطئه و ترور از سر راه برداشته است، به اپوزیسیون انقلابی و کمونیست ها اتهام سرکوب و قتل و اذیت و آزار مردم و جنگ قدرت بزند، مضحک است. واقعیت اینست که بیش از چهار سال گذشته است، نه جامعه ایران همان جامعه سال ۵۷ است، نه مردم همانند، نه وضعیت سیاسی و اپوزیسیون همان موقعیت دوره انقلاب ۵۷ را دارد. چه کسی نمیداند که حکومت اسلامی در محاصره نفرت و نارضایتی و یورش کارگران و مردم زحمتکش برای سرنگونی کلیت این نظام است؟ چه کسی از رویدادهای سالهای اخیر و خیزش های توده ای عظیم علیه حکومت فقر و فلاکت و گرانی و بیکاری خبر ندارد؟ چه کسی از موقعیت زیبون و وخیم رژیم اسلامی اطلاع ندارد؟ و بالاخره چه کسی نمی داند که سیاست امروز در ایران، بیش از هر زمان در صد سال گذشته و دهها برابر دوره انقلاب ۵۷، از کارگر و اعتصاب کارگری و تمایلات چپگرایانه و سوسیالیستی الهام میگیرد؟

اما جمهوری اسلامی با این تلاشهای نخ نما به کدام درد بی درمانش پاسخ می دهد؟ حقیقت اینست که جمهوری اسلامی از تکرار تاریخ می ترسد، از عمل انقلابی و خیزش توده ای و سنگربندی انقلابی وحشت دارد، از انقلاب کارگران و مردم محروم برای آزادی و رفاه و اعمال اراده توده ای و شورائی می ترسد. رژیم سخت نگران تکرار تاریخ و به زباله دان رفتن است. دلیل حمله به احزاب و سازمانهای کمونیست و شخصیت های سازنده و دخیل در رویدادهای مهم سیاسی ایران از جمله انقلاب ۵۷ و جنگ در کردستان ریشه در این واقعیات دارد. این روایت

جعلی از تاریخ آن جامعه با هزاران شاهد زنده و دخیل در لحظات مهم آن، واضح است تاثیر جدی ندارد. بویژه در کردستان که هیچوقت سلطه جمهوری اسلامی را نپذیرفته و همواره در یک تنش مداوم با حکومت اسلامی بوده است، تاثیری ندارد. این اقدام جمهوری اسلامی نشان میدهد سیاست سرکوب تاکنون به اهداف مورد نظر نرسیده است.



ما سازمان ها و احزاب چپ و کمونیست، بعنوان کادرهایی که در این تاریخ درگیر و شریک بودیم، اعلام میکنیم که انقلاب ایران برای اسلام و خمینی و آوردن جمهوری اسلامی نبود، برای آزادی و برابری و نفی سلطه استبداد و اختناق بود. این انقلاب بدلیل محدودیتهای تاریخی اش، علیرغم جنگ ها و مقاومت ها و اعتصابات و تظاهراتها، به پیروزی نرسید و نهایتاً توسط ضد انقلاب اسلامی به خونین ترین شکل درهم کوبیده شد. "انقلاب اسلامی" خمینی اتفاقاً دست سازترین رژیم مورد حمایت آمریکا و دول غربی برای سرکوب انقلاب چپگرایانه ۵۷ بود. ما اعلام میکنیم مقاومت و مبارزه با رژیم ضد انقلابی و بورژوازی اسلامی، مقابله با سرکوب شوراها و سازمانها و احزاب سیاسی و قلع و قمع انقلابیون، مقابله با تبعیض و سرکوب و کشتار، یک عمل تاریخی و انقلابی بود. ما به مقاومت و مبارزه چهاردهه نسلهای مختلف کارگران و مردم آزادیخواه درود میفرستیم و از آن قاطعانه حمایت می کنیم.

ما بویژه از تلاش و مبارزه اکثریت عظیم مردم در کردستان برای نه گفتن به جمهوری اسلامی و دفاع از آزادیها و دستاوردهای انقلاب دفاع میکنیم. این حق کارگران و مردم زحمتکش است که در مقابل تهاجم نظامی و سرکوب و بمباران و کشتار از خود دفاع کنند. این حق مردم این کره خاکی است که برای درهم شکستن استبداد و حکومت سرمایه دست به عمل انقلابی بزنند. کردستان "سنگر انقلاب" بود و سنتهای انقلابی هنوز در آن قویاً ریشه دارد. ما سناریوها و مستند سازی امنیتی حکومت علیه نیروهای اپوزیسیون و شخصیت های خوشنام تاریخ مبارزه انقلابی و کمونیستی را محکوم میکنیم.

و بالاخره تاکید میکنیم که نظر به اوضاع متحول و ملتهب ایران، ما به سمتی میرویم که بدون مبارزه انقلابی، بدون فداکاری فردی و جمعی، بدون بکارگیری قهر انقلابی در مقابل ماشین سرکوب و قوه قهریه ضد انقلابی نمی توانیم پیروز شویم. بار دیگر باید همه جا آماده شویم، در این نبرد باید پیروز شد.

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی!  
زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم!

۱۵ بهمن ۱۳۹۹ - ۳ فوریه ۲۰۲۱

امضاها: اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری-حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت.

زنده باد سوسیالیسم!